

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حوزه علمیه الزهرا سلام الله علیها رومیه

"فلسفه عزاداری سید الشهداء"

استاد راهنما: سرکار خانم ضربی زاده  
پژوهش از: کبری جعفری/پایه ششم پاره وقت

## چکیده

ارزش و اعتبار و عظمت شخصیت دلبربای امام حسین ( علیه السلام ) و نهضت آن بزرگوار امروزه همه را تحت تاثیر قرار داده ، به طوری که نه تنها دوستان و پیروانش ، بلکه بیگانگان هم در مقابل نام باشکوه و خواستنی او سر تعظیم فرود می آورند و قیام مقدس کربلا را با احترام یاد می کنند .

عظمت و اعتبار نهضت حسینی هر ساله به صورت برگزاری مراسمات با شکوه و منظم ، که نشانی از ارادت دلباختگان به اهل بیت عصمت و طهارت می باشد ، به اثبات رسیده است .

مجالس عزاداری ما باید همچون دانشگاهی باشد که همه طبقات از آن الگو بگیرند و درس بیاموزند . بنابراین برای رسیدن به این مهم باید با فلسفه ، علل و اهداف عزاداری آگاهی داشته باشیم تا به نتیجه ی مطلوب که اشنایی با اهداف عالی آن حضرت می باشد نائل شویم .

در این مقاله بر آنیم تا فلسفه عزاداری سیدالشهدا ( ع ) را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم .

واژگان کلیدی من : فلسفه ، سید ، شهدا ، عزا ، تسلی ، نوحه ، مات .

## مقدمه :

حماسه عاشورا شورانگیزترین حماسه تاریخ بشری است که نیرومندترین احساسات میلیون ها انسان را برانگیخته و از مرزهای جغرافیایی و اعتقادی نیز گذشته و شگفت این که قداست خویش را در میان سایر ادیان نیز حفظ کرده است .

در طول تاریخ بشر ، حوادث تلخ بسیاری رخ داده که به لحاظ کمیت و کیفیت از ابعاد و سطوح مختلفی برخوردار بوده و به طور طبیعی آثار و نتایج متفاوتی نیز در عرصه حیات انسانی در پی داشته اند . یکی از حوادث مهم که تاثیر عمیقی بر جامعه شیعی داشته ، حادثه عظیم کربلاست .

گذشت ایام ، تاثیر عمیقی بر فراموشی حوادث دارد . حوادث بسیار بزرگی با ابعاد و حجمی بسیار بزرگتر از واقعه ی عاشوا در بستر تاریخ رخ داده اند ، اما در همین بستر رنگ باخته اند و هرگز از اوراق و قصه های تاریخ فراتر نرفته و نتوانسته اند در عرصه حیات اجتماعی و حوزه باورها ، عقاید ، آداب ، رسوم و این های یک جامعه نقش مهمی ایفا کنند . پاسداشت قیام عاشورا و عازداری بر سالار شهیدان ، در اعصار و قرون متمادی در تاریخ اسلام به صورت یکی از شعائر مهم دینی در سرزمینهای اسلامی برپا می شده است و می شود .

امید است که این مجموعه در شناخت بیشتر و بهتر عزاداری بر سیدالشهدا و عمل در راه اهداف این نهضت مقدس، مفید و موثر افتد.<sup>1</sup>

## روانشناسی عزاداری

### عزاداری

عزاداری در عرف عام به دو معنی اطلاق می شود . الف- داغدیدگی و عزاداری شخص بالفعل ب- مراسم عزاداری که به صورت سنتی برای بزرگان دینی و دیگران برگزار می شود .

این دو ، از دیدگاه روانشناسی کاملاً متفاوت هستند . داغدیدگی واقعی ، امری است غیر اختیاری و افراد داغدار از مدار زندگی عادی خارج می شوند و باید به تدریج به زندگی عادی برگردند .

اما مراسم عزاداری ، کاملاً اختیاری و برنامه ریزی شده است و بخشی از برنامه های زندگی عادی افراد محسوب می شود . عزاداری حالتی روانی و درونی است ولی مراسم عزاداری معمولاً به صورت اجتماعی صورت می گیرد . برای عادی شدن زندگی فرد داغدار ، عواملی به کمک می آیند ، که از جمله آنها مراسم عزاداری است . داغدیدگی ممکن است به صورت ناگهانی و بدون آمادگی باشد مثل این که عزاداری را در تصادف اتومبیل از دست بدهند و ممکن است با پیش بینی و آمادگی قبلی باشد ، مثل این که عزیزی پس از دوره سخت بیماری لاعلاج ، از دنیا برود . در هر

---

<sup>1</sup>- ویژه نامه محرم الحرام ، روایت سرخ ، سازمان فرهنگی شهداری ارومیه ، 1391 ، ص 25

دو صورت داغدیدگی صدق می کند اما آن که ناگهانی است سخت تر است.<sup>2</sup>

### مراسم عزاداری

عزاداری ، در متون اسلامی ، یک اصطلاح شرعی نیست ، بلکه مسلمانان آن را به کار برده اند ، لذا باید در فرهنگ لغات ، به دنبال کاربردهای آن گشت . عزا به معنی صبر و شکیبایی در ماتم و به معنی سوگ و مصیبت آمده است . عزی از باب تفعیل به کار رفته است ، تعزیه الرجل یعنی تسلی دادن و توصیه به صبر کردن . عزی بعضهم بعض ، یعنی یکدیگر را توصیه به صبر کردند . احسن الله عزاک ، یعنی خداوند به تو صبر و نیکی عطا کند .

همان گونه که از لغات به دست می آید ، عزاداری ، در اصل برای تسلی دادن به داغدیده است . برای آرامش بخشی به داغدیده از عوامل متعددی می توان سود جست ، از جمله :

- 1-هنجارهای اجتماعی و هم دردیها
- 2-همسان سازی با بزرگان دینی و تاریخی مورد علاقه مردم .
- 3-تفکر منطقی ، بر این نکته که لاجرم باید به زندگی عادی بازگردیم ، نمی شود زندگی را تعطیل کرد .
- 4-گریه کردن و برون ریزی عاطفی .

---

<sup>2</sup>- ره توشه راهیان نور ، مرکز آموزشهای تخصصی باقرالعلوم ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، چاپ دوم ، 1381 ، ص 235

5- ذکر کردن غم و غصه ها با دیگران ( راه دیگری  
از برون ریزی )

6- خواندن اشعار غمناک و معنی دار .

7- اعتقاد به معاد و ... و یادآوری آنها.

نکته جالب توجه این است که همه عوامل هفت گانه ،  
در ضمن مراسم عزاداری ، و با کمک دیگران ، برای  
فرد داغدیده ، حاصل می شود . در قال دید و  
بازدیدها ، اظهار هم دردی ها، شرکت در مراسم و  
ادای احترام به متوفی و بازماندگان ، مداحی کردن  
از بزرگان دینی و ذکر مصایب آنان ، خواندن قرآن  
و آیات مناسب و تسلی بخش ، اجرای سخنرانیهای  
مناسب با موقعیت و شرایط ، و ارایه کردن شناخت  
های لازم داغدیده و دیگر مخاطبان و ... اینها همه  
در ضمن مراسم عزاداری حاصل می شود ، و جالب تر  
این که بسیاری از اینها ، اختصاص به مراسم جمعی  
دارد و در تنهایی و نشستهای خانوادگی حاصل نمی  
شود .

در جوامع مختلف ، شیوه های نسبتاً مشابهی برای این  
مراسم وجود داشته و دارد . مراسم عزاداری و ختم  
در سه روز اول ، هفته ، چهلم و گاه سالگرد ( در  
جامعه ما ) به سازگاری داغدیده با شرایط جدید  
کمک می کند . با گرفتن مراسم سالگرد ، به  
بازماندگان کمک می شود که ضمن برگزاری کرامی داشت  
یاد متوفی ، آن را به خاطرات عزیز و تکرار نشدنی

تبدیل کنند . به طور کلی دو عامل فراموشی و گذشت  
زمان از جمله عوامل سازگاری است .<sup>3</sup>

### هیجان های روانی ناشی از عزاداری

بیشترین و مهمترین تاثیری که مراسم عزاداری بر  
شرکت کنندگان دارد ، تاثیرات روانی است و اکثر  
شرکت کنندها نیز در پی همین نوع تاثیرات هستند .  
احساس لذتی خاص به آن دست می دهد، آرامشی می  
یابند که در کمتر مجلس و گروهی از نوع دیگر ،  
حاصل می شود . چهری افراد عزادار ، در مجالس  
عزاداری ، غمبار می شود ، گریه می کنند یا حالت  
گریه به خود می گیرند ، اما این غم نوعی دیگر و  
متفاوت با غم و غصه های زندگی روزمره است . غم  
معنویت است ، غم آخرت است . غم مظلومیت مظلومان  
است . غمی است که منشاء حرکت است و کنش وری  
اجتماعی افراد را افزایش می دهد نه کاهش ، عاملی  
نابهنجار در زندگی افراد نمی شود ، بلکه در  
مواردی نقش درمانی ایفا می کند . برای زندگی نشاط  
می آفرینند .<sup>4</sup>

بدیهی است کسانی که خود به صورت مستمر و یا به  
صورت مقطعی ، در زمانهای خاصی از سال در این  
گروهها و مراسم شرکت می کنند و اکثریت قریب به  
اتفاق مردم مذهبی ( شیعه ) با این مراسم موافق

---

<sup>3</sup>- ره توشه راهیان نور ، مرکز آموزشهای تخصصی باقرالعلوم ،  
انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، چاپ دوم ، 1381 ، ص 236

<sup>4</sup>- ره توشه راهیان نور ، مرکز آموزشهای تخصصی باقرالعلوم ،  
انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، چاپ دوم ، 1381 ، ص 240

هستند و آن را می پسندند و از آن استقبال می کنند .

افرادی نیز هستند که با عزاداری مخالفند و بر این مخالفت ، استدلالهایی نیز دارند ، به بعضی از دلیل های آنها اشاره می کنیم .

1- ما دلیل و برهانی از متن دین ، برای عزاداری نداریم و این نوعی بدعت محسوب می شود!

2- چه لزومی دارد که برای کسانی عزاداری کنیم که قرنها پیش شهید شده و به مقام والایی رسیده اند ؟

3- عزاداری کردن ، مخالفت با قضا و قدر الهی است . ما باید بپذیریم و تسلیم باشیم .

4- گاهی در عزاداری ها ، کارهای خلاف شرع و غیر اخلاقی رخ می دهد ، مثل اضرار به نفس ، یقه پاره کردن ، صورتها را خونی کردن ، پریشان نمودن مو ، بلند گریه کردن و ... که در برخی روایات از آن ها منع شده است .

5- عزاداری و ازدیاد این مراسم در طول سال ، باعث شده است که جامعه از شادیاها به دور باشد و بیشتر احساس غمگینی کند و در نتیجه باعث افزایش فراوانی افسردگی در جامعه بشود .

ان شاء الله در ادامه مطالب به همه ی این سئوالات و شبهات پاسخ داده خواهد شد .

### مراسم عزاداری از دیدگاه متون دینی

در قرآن ، آیاتی که به طور صریح و مستقیم ، بیانگر حکم عزاداری باشد وجود ندارد ، اما آن چه



اکنون تحت عنوان مراسم عزاداری انجام می شود ، دست تایید چند گروه از آیات را بالای سر خود دارد :

الف- آیاتی که به فریاد کردن علیه ظلم ، امر می کند یا مجوز می دهد

ب- آیاتی که تحکیم ولایت را هدف خود قرار داده اند .

ج- آیاتی که مودت اهل بیت را تاکید کرده اند

د- آیاتی که دلالت بر سوگواری بعضی از انبیاء یا دیگر اولیای الهی داشته اند ، مثل سوگواری حضرت یعقوب ( ع ) در فراق حضرت یوسف (ع)

ه- آیاتی که بزرگ داشت شعائر الهی را تاکید می کنند .

آیات بسیار زیادی از قرآن نیز هست که از طریق روایات معصومین (ع) به نوعی ، با امام حسین ( ع ) مرتبط شده اند . مثل آیه ی مباحله ، که آن حضرت (ع) یکی از مصادیق آن هستند ، یا آیه نفس مطمئنه که به امام حسین (ع) تفسیر می شود ، یا آیه ای که خداوند از بندگانیش ، راجع به خونریزی و ... پیمان می گیرد ، در تفسیر برهان در ذیل این آیه آمده است که وقتی این آیه نازل شد ، پیامبر فرمود : یهود ، عهد خدا را نقض و رسولان او را تکذیب کردند و اولیای الهی را کشتند ، آیا به شما خبر بدهم به مشابه آنها از یهود این امت؟ گفتند بله یا رسول الله ، حضرت رسول ( ص ) فرمود : قومی از امت من که خود را اهل ملت من می دانند ، افاضل ذریه ی مرا می کشند ، شریعت و سنت مرا عوض می کنند ،

فرزندانم حسن و حسین را می کشند ، همان طور که  
یهود ، زکریا و یحیی را کشتند .

روایات زیادی نیز داریم که دلالت بر جواز گریه و  
عزاداری می کنند ، امام صادق (ع) می فرمایند که  
بانوان در مصیبت ها ، نیاز به نوحه سرایی و شیون و  
زاری دارند و باید اشک هایشان جاری شود ، اما  
نباید سخنان باطل و بیهوده بگویند ... آن حضرت در  
جای دیگری می فرمایند : گریه کنندگان پنج نفر  
بودند ، آدم (ع) و یعقوب (ع) و یوسف (ع) و فاطمه  
بنت محمد (ع) و علی بن الحسین (ع) گریه آدم به  
خاطر خطا و اخراج از بهشت ، یعقوب در فراق یوسف و  
یوسف در دوری از پدر و حضرت زهرا برای پدرش و  
امام سجاد (ع) نیز برای شهادت پدرش گریه می  
کردند ، امام صادق (ع) به فرزندش سفارش می کند که  
برایش مجالس عزاداری برگزار می نماید . روایاتی  
از این نوع ، بسیار فراوان است و مهمترین اهدافش  
مبارزه با ظلم و ستم بنی امیه و بن عباس بوده است  
.

البته بعضی از روایات اهل سنت با عزاداری مخالفت  
کرده اند ، اما از خود روایات اهل سنت ، پاسخ  
آنها نیز داده شده است . پاسخ این است که این  
روایات قابل جمع هستند و وجه جمع آنها به این است  
که روایات مخالف ، برای نفی بعضی از کارهای  
ناصحیح که در عزاداری انجام می شود ، آمده است ،  
مثل داد و فریاد کردن ، گریبان دریدن ، سخن باطل  
گفتن ... اما آنها که موافق هستند ، نظر به اصل  
عزاداری دارند .

در سیره معصومین (ع) و سیره مسلمانان نیز عزاداری، دارای سابقه بوده است. مسلمانان در جنگ احد 70 شهید دادند، در مدینه، هر کسی برای بستگان شهید خود گریه می کرد. چشمان پیامبر (ص) با دیدن این صحنه پس از اشک شد و فرمودند... اما عمویم حمزه گریه کننده ندارند. ابن مسعود می گوید: پیامبر (ص) در سوگ حمزه بسیار گریه کرد، چنانچه حمزه را به قبله نهاد و ایستاد و با صدای بلند گریه کرد و صفات خوب حمزه را بر شمرد. اسماء، همسر جعفر بن ابی طالب که از زن های با ایمان و فداکار صدر اسلام بوده است، می گوید جعفر در جنگ موته به شهادت رسید، بر رسول خدا (ص) وارد شدم، ایشان فرمودند ای اسماء، فرزندان جعفر کجا هستند؟ آنان را پیش آن حضرت آوردند، آنها را در آغوش کشید و گریه کرد و گفت: جعفر امروز به شهادت رسید.

پیامبر به دفعات زیادی در سوگ یارانش از جمله: در عیادت آخر و بیماری احتضار سعد ابن عباده، رئیس قبله خزرج، در کنار مزار دختر خود در مدینه، در سوگ فرزندش ابراهیم (با بیان این که قلب از شدت اندوه می سوزد اما سخنی بر خلاف رضای حق نمی گویم) در کنار مزار مادرشان در ابواء، به هنگام یادآوری شهادت امام علی (ع) و امام حسین (ع) حتی در هنگام ولادت امام حسین (ع) و در مکانهای مختلف مثل منزهات امم المومنین، ام سلمه، زینب، عایشه و در خانه امام علی (ع) و... گریه کرده اند. پس از پیامبر نیز صحابه عزاداری می کردند

، علاوه بر گریه مستمر حضرت زهرا (ع) کسان دیگری در سوگ پیامبر گریه کردند.

زنان بنی هاشم در شهادت امام حسین و امام حسین (ع) عزاداری و گریه کردند ، ام المومنین ام سلمه ، در روایا از شهادت امام حسین (ع) با خبر می شود پس از بیداری به عزاداری می پردازد و زنان هاشمی را نیز به عزاداری بر حسین دعوت می کند .

جابر بن عبدالله انصاری پس از غسل در فرات و پوشیدن لباس تمیز ، به صورت پابرهنه و اندوهگین به سوی مزار امام حسین می رود و گریه فراوان می کند . انس ابن مالک و زید ابن ارقم از یاران پیامبر ، در سوگ امام حسین (ع) گریه کردند ، مختار ثقفی در عزار امام حسین (ع) گریه کرد و قسم خورد که انتقام بگیرد توابین با شعار یالثارات الحسین ، به رهبری سلیمان ابن سرد خزاعی ، برای انتقام جمع می شوند و بر مزار امام حسین (ع) رفته و گریه و ناله می کنند . مردم کوفه و شام و مدینه ، پس از شهادت امام حسین عزاداری می کنند ، شعرا و سراینندگان عرب ، اشعار فراوانی در سوگواری سروده اند .

قابل یادآوری است که بعضی از مواردی که از سیره ی معصومین (ع) و مسلمانان ذکر شد ، ناظر به مراسم عزاداری نبوده است بلکه سوگ و داغدیدگی واقعی بوده است ، اما موارد متعددی هم بوده است که سوگ واقعی نبوده است ، بلکه مراسم عزاداری بوده و با هدف تبلیغی و سیاسی نیز انجام می شده است . ائمه ی پس از امام حسین (ع) همه ی آنها برای آن

حضرت عزاداری کرده اند و مصیبت آن حضرت را تازه نگه داشته اند ، به ویژه امام صادق (ع) مجلس می گرفت و افراد جمعی شدند و ذکر مصیبت می شد و گریه می کردند .

پس از زمان ائمه ( ع ) نیز عزاداری امام حسین توسط شیعیان انجام می شد اما تاپیش از قرن چهارم به صورت پنهان بود ، همان طور که جشن و سرور در روز عید غدیر نیز پنهان بود و از آن پس آشکار شد . معزالدوله دیلمی یکی از سلاطین بزرگ و مقتدر آل بویه بود که در آشکار ساختن شعائر شیعه ، نقش اساسی داشت و مردم بغداد را به عزاداری امام حسین (ع) تشویق کرد . در سالهای بین 352 تا اواسط قرن پنجم ، مراسم عاشورا ، مهم تلقی می شد و اجرا می شد . در همین سالها ، فاطمیه و اسماعیلیه ، مصر را به تصرف در آوردند و شهر قاهره را بنا نهادند و مراسم عاشورا را در مصر نیز برگزار می شد . مراسم عزاداری ، به سایر کشورهای اسلامی ، شمال آفریقا ، ایران و برخی کشورهای عربی رسوخ کرد . در ایران از قرن اول و دوم ، تعزیه رایج بود ولی گسترش بیشتر یافت .

اکنون نیز نه تنها شیعیان ، بلکه حتی بسیاری از غیر شیعیان و غیر مسلمانان نیز ، امام حسین (ع) و مراسم عزاداری حسینی را به خوبی می شناسند و برای آن احترام قائلند ، امروزه به برکت جمهوری اسلامی ایران ، مراسم عزاداری ، به همان شیوه های مرسوم در ایران ( سخنرانی و روضه خوانی و مداحی و سینه زنی و تشکیل دادن دسته های عزاداری ... ) به

زبانهای مختلف دیگری مثل انگلیسی ، المانی ، چینی ، ژاپنی و ... نیز رواج یافته است .  
ملتهای دیگر ، حضور و اثرگذاری این مراسم را در پدیده های اجتماعی و سیاسی شیعیان مشاهده کرده اند . هر کسی اندک تاملی کرده باشد ، نقش امام حسین (ع) و عزاداری حسینی را در دفاع مقدس به خوبی می شناسد ، حسین (ع) در انحصار شیعیان نیست . رهبر فقید هند ، گاندی ، از حسین (ع) بهره گرفته ، نهضتهای بوسنی و هرزگوین ، لبنان ، فلسطین و .. از حسین بهره گرفته اند.<sup>5</sup>

### جایگاه عزاداری در فرهنگ شیعه

اغلب ایرادی که بر شیعیان وارد شده و می شود این است که : چرا در فرهنگ شیعه همیشه حزن و اندوه و عزاداری حاکم است ؟  
در پاسخ باید بگوییم :  
یکم : البته در فرهنگ شیعه اعیاد بزرگی وجود دارد مانند روز تولد چهارده معصوم ، عید سعید غدیر خم ، عید قربان ، عید فطر ، مبعث و ... همه روزهای شادمانی و سرور است .  
دوم : اگر ملتزمان به فرهنگ شیعی ، سرور و شادمانی خود را به صورت عزاداری علنی نمی کنند ، اشکال از فرهنگ نیست، بلکه پیروان فرهنگ ، این کوتاهی را کرده اند .

---

<sup>5</sup> - ره توشه راهیان نور ، مرکز آموزشهای تخصصی باقرالعلوم ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، چاپ دوم ، 1381 ، ص 249

سوم : در فرهنگ اسلامی ، به همان اندازه که به سوگواری بر اهل بیت(ع) تاکید شده است ، به سرور و شادمانی نیز توصیه شده است و حتی در کلمات و جملات گوناگونی ، به شادمان کردن دیگران امر شده است . رسول خدا(ص) به شادمان کردن فرزندان یتیم مومن ، کودکان و مومنان دستور داده اند .

چهارم : یکی از دلایل غالب بودن عزاداری بر سرور و شادمانی در فرهنگ شیعی ، ظلمی است که به اهل بیت(ع) وارد شده است . ظلمی که نمی توان در تاریخ برابری برای آن پیدانمود . از این رو ضروری است که از حد ظلم عظیمی که بر امامان معصوم رفته است ، یاد کرد مظلومیت آنان در قالب سوگواری ، مرثیه و روضه خوانی باید گسترده تر از شادمانی باشد و در این میان از آنجا که ظلمی که به سیدالشهدا(ع) شده ، از ظلم های دیگر به امامان (ع) برتر و عمیقتر بود ، ذکر مصائب آن حضرت بیشتر و فراگیرتر است .<sup>6</sup>

## علل عزاداری بر سیدالشهدا (ع)

اهمیت عزاداری

عزاداری و گریه ی ما برای امام حسین (ع) چه نفعی دارد ؟ آیا ایشان به گریه ما احتیاج دارند ، در حالی که امام قرن ها پیش شهید شده و به مقام والایی رسیده است ؟

ماتا ابد هم اگر برای سیدالشهدا ، گریه بکنیم ، برای سیدالشهدا نفعی ندارد ، برای ما نفع دارد ،

---

<sup>6</sup>- امام خمینی ، فرات ، گزیده ای از بیانات امام ، 1358 ، ص 39

همین نفع دنیائیش را شما حساب کنید آخرتش سر حای خودش . همین نفع دنیائیش را حساب کنید همین جهت روانی مطلب را که قلوب را چطور به هم متصل می کند .

شمانگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقط این است که گریه کنیم برای سیدالشهدا، که سیدالشهدا احتیاج به این گریه ها دارد ، نه این گریه خودش فی نفسه یک کاری از آن بر می آید، لکن این مجالس مردم را همچو مجتمع جمع می کند و یک وجه می دهند ، سی و پنج میلیون جمعیت در دو ماه محرم و خصوص دهه عاشورا، به طرف یک راه می روند . بیخود بعضی از ائمه ما نمی فرمایند که برای من در منابر روضه بخوانند . بیخود بعضی از ائمه مانمی فرمایند که برای من در منابرووضه بخوانند . بیخود نمی گویند ائمه ما به اینکه هر کس که بگرید یا بگریاند یا صورت گریه ( تباکی ) به خود بگیرد آسیب نمی بیند . مسئله ، مسئله گریه کردن نیست ،

مسئله تباکی نیست ، مسئله ، مسئله سیاسی است که ائمه ما باهمان دید الهی که داشتند می خواستند که این ملتها را به هم بسیج کنند و یکپارچه کنند ، از راههای مختلف ، اینها رایکپارچه کنند تا آسیب پذیر نباشند .

حضرت باقر (ع) وقتی که می خواستند فوت کنند وصیت کردند که ده سال ظاهرا که در منااجیر کنند کسی را یاکسانی را که برای من گریه کنند این چه مبارزه ای است؟! حضرت باقر (ع) احتیاج به گریه داشت؟!!



حضرت باقر می خواست چه کند گریه را؟! آنوقت هم در منا چرا؟ ایام حج و منا. این همین نقطه اساسی، سیاسی، روانی، انسانی است که ده سال در آنجا گریه کنند. خوب مردم می آیند می گویند چه خبر است چیست؟ می گویند این طور بود. این توجه می دهد نفوس مرد را به این مکتب و ظالم را منهدم می کند و مظلوم را قوی می کند. ما جوانها دادیم، کربلا جوانها داده، ما این را باید حفظ کنیم. این نمی شود این طور باشد، شما خیال بکنید گریه است، خیر گریه نیست، یک مسئله سیاسی، روانی، اجتماعی است. اگر قضیه گریه است تباکیش دیگر چیست؟ تباک می خواهد؟ تباک دیگر یک چیزی شد؟ اصلا حضرت سیدالشهدا چه احتیاج به گریه دارد؟ ائمه این قدر اصرار کردند به این که جمع داشته باشید، گریه بکنید، چه بکنید، برای این که این حفظ می کند کیان مذهب ما را.

عمق ارزش مجلسهای عزاداری کم معلوم شده است و شاید پیش بعضی هیچ معلوم نشده است. این که در روایات ما برای یک قطره اشک برای مظلوم کربلا آن قدر ارزش قائلند، حتی برای تباک (به صورت گریه در آمدن) ارزش قائلند.<sup>7</sup>

### آثار و پیامدهای عزاداری

شیعیان به تاسی از رهبران خود هر ساله با ذکر نام و مصائب سیدالشهدا (ع) و تشکیل جلسات عزاداری، عاشقانه در سوگ سید مظلومان به عزا می نشینند و

---

<sup>7</sup>- امام خمینی، فرات، گزیده ای از بیانات امام، 1358، ص 1

با ریختن اشک در حماسه ی جاودان حسینی شرکت جسته و مانع فراموش شدن نهضت حسینی می گردند . برگزاری مجالس در حقیقت زنده نگه داشتن یاد و خاطره ی عاشورائیان است .

چنان که امام صادق (ع) می فرماید :

ان تلک المجالس احبها فاحیوا ارنا رحم الله من احیا امرنا

من مجلس گرفتن شما را دوست دارم . در مجالس خود امر ما را زنده بداریم و خداوند رحمت کند کسی که امر ما را زنده کند .<sup>8</sup>

بر این اساس امام خمینی (ره) احیا گر بزرگ فرهنگ عاشورا در عصر حاضر می گوید :

سیدالشهدا را این گریه ها حفظ کرده است . مکتبش را .... این سینه زنی ها و این دسته جات حفظ کرد ... هر مکتبی تاپایش سینه زن نباشد ، تا پایش گریه کن نباشد ، تا پایش سر و سینه زن نباشد حفظ نمی شود . این گریه ها زنده نگه داشته مکتب سیدالشهدا را .<sup>9</sup>

استاد مطهری در این باره می گوید:

جوانی از من پرسید : مکتب امام حسین (ع) احیا شود ، آیا ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام هم ضرورتی دارد ؟ گفتم : بله . دستوری است که ائمه اطهار (ع) به ما داده اند و این دستور فلسفه ای دارد و آن این که هر مکتبی اگر چاشنی از عاطفه

---

<sup>8</sup>- ره توشه راهیان نور ، مرکز آموزشهای تخصصی باقرالعلوم ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، چاپ دوم ، 1381 ، ص 91

<sup>9</sup>- امام خمینی ، صحنه نور ، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ، 1361 ، جلد 8 ، ص 69

نداشته باشد و صرفاً مکتب ، فلسفه و فکر باشد ، آن قدر در روح ما نفوذ ندارد و شانس بقا ندارد ، ولی اگر یک مکتب چاشنی از عاطفه داشته باشد ، این عاطفه به آن حرارت می دهد . بدون شک مکتب امام حسین (ع) منطق و فلسفه دارد . درس است باید آموخت ، اما اگر دائماً این مکتب را صرفاً به صورت یک مکتب فکری بازگو کنیم حرارت و جوشش اش گرفته است و اساساً کهنه می گردد .<sup>10</sup>

### درسهای آموزنده ی قیام حسینی

مجالس عزاداری فقط صرف گریه کردن نیست ، بلکه بیان علل و اهداف قیام حسینی می تواند درسهای آموزنده ای در پی داشته باشد . حسین بن علی در سخنان و خطابه های خودش ، آنجا که از امر به معروف و نهی از منکر صحبت می کند ، همواره صحبتش این است : و علی الاسلام السلام از قد بلیت الامه براع مثل یزید . بعد از بیست سی سال که این حرفها فراموش شده بود ، حسین بن علی به نام یک نفر مصلح و اصلاح طلب که باید در امت اسلام اصلاح ایجاد کرد ، قیام کرد و به مردم عشق و ایده آل دارد . رکن اول حماسه ی زنده شدن یک قوم همین است . ملتی شخصیت دارد که حسن استغنا و بی نیازی در او باشد . اینهاست درسهای آموزنده ای که از قیام حسین بن علی باید آموخت . او حس استغنا و بی نیازی به مردم داد .

---

<sup>10</sup> - ره توشه راهیان نور ، مرکز آموزشهای تخصصی باقرالعلوم ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، چاپ دوم ، 1381 ، ص 92

حسین بن علی درس غیرت به مردم داد ، درس تحمل و بردباری به مردم داد، درس تحمل شدائد و سختیها به مردم داد . اینها برای ملت مسلمان درسهای بسیار بزرگی بود . پس اینکه می گویند حسین بن علی چه کرد و چه طور شد که دین اسلام زنده شد ، جوابش همین است که حسین بن علی روح تازه دمید ، خونها را به جوش آورد، غیرتها را تحریک کرد ، عشق و ایده آل به مردم داد ، حس استغنادر مردم به وجود آورد ، درس صبر و تحمل و بردباری و مقاومت و ایستادگی در مقابل شدائد به مردم داد ، ترس را ریخت ، همان مردمی که تا آن مقدار می ترسیدند ، تبدیل به یک عده مردم شجاع و دلاور شدند .<sup>11</sup>

این داستان معروف است ، می گویند: نادر در یکی از جنگهای سربازی را دید که فوق العاده شجاع و دلیر بود و از شجاعت و دلاوری او اعجاب می کرد . یک روز او را خواست ، گفت: تو با این شجاعت و دلاوری ات ، آن روزی که افاغنه ریختند به اصفهان غارت کردند و کشتند کجا بودی ؟ گفت : من اصفهان بودم . گفت : تو اصفهان بودی و افاغنه آمدند و آن هم جنایات کردند ؟ گفت : بله بودم .

گفت : پس آن روز شجاعتت کجا بود؟گفت : آن روز نادری نبود ، مقداری از شجاعتی که من امروز دارم از روحیه ی نادر دارم ، تو را که می بینم غیرت من تحریک می شود شجاع و دلیر و دلاور می شوم .<sup>12</sup>

---

<sup>11</sup> - مرتضی ، مطهری ، حماسه ی حسینی ، سخنرانیها ، جلد اول ، چاپ 82 ، انتشارات صدرا ، 1393 ، ص 46

<sup>12</sup> - مرتضی ، مطهری ، حماسه ی حسینی ، سخنرانیها ، جلد اول ، چاپ 82 ، انتشارات صدرا ، 1393 ، ص 47

اینکه من تاکید می کنم که حماسه ی حسینی و حادثه ی کربلا و عاشورا باید بیشتر از این جنبه مورد استناد ما قرار بگیرد ، به خاطر همین درسهای بزرگی است که این قیام می تواند به ما بیاموزد من مخالف رثاء و مرثی نیستم ، ولی می گویم این رثاء و مرثیه باید به شکلی باشد که در عین حال آن حس قهرمانی حسینی رادر وجود ما تحریک کند .

حسین بن علی یک سوژه بزرگ اجتماعی است . حسین بن علی در آن زمان یک سوژه بزرگ بود، هر کسی که می خواست در مقابل ظلم قیام کند، شعارش یا لثارات الحسین بود .

امروز هم حسین بن علی یک سوژه ی بزرگ است ، سوژه ای برای امر به معروف و نهی از منکر ، برای اقامه ی نماز ، برای زنده کردن اسلام ، برای اینکه احساسات و عواطف عالییه ی اسلام در وجود ما احیا بشود. <sup>13</sup>

### ثواب عزاداری

1- وجود روایاتی که ثواب عزاداری برای امام حسین ( ع ) را بی حد و مرز ذکر می کند تا چه اندازه صحیح است؟

عزاداری برای سالار شهیدان ، آقا ابا عبدالله الحسین ( ع ) از بزرگترین اسباب تقرب به خداوند و دارای اجر و ثواب فراوان می باشد . روایات بسیاری در این خصوص در کتابهای معتبر وارد شده که در میان آنها ، احادیث دارای اعتبار کافی و قابل اعتماد

نیز فراوان است . به دو مورد از این روایات معتبر اشاره می کنیم :

امام محمدباقر (ع) پس از شنیدن سروده های کمیت در باره ی اهل بیت ، کریست و سپس فرمود : هیچ کس نیست که ما را یاد کند، یا نزد او از ما یاد شود و از چشمانش هر چند به اندازه ی بال پشه ای اشک آید ، مگر آنکه خداوند برایش در بهشت ، خانه ای بناکند و ان اشک را حجاب میان او و آتش دوزخ قرار دهد .

حضرت محمد (ص) پیامبر گرامی اسلام فرمودند:

فاطمه جان ! روز قیامت هر چشمی گریان است، مگر چشمی که در مصیبت و عزای حسین گریسته باشد ، که آن چشم در قیامت خندان است و به نعمتهای بهشتی مزده داده می شود .

2- گستردگی کمی و کیفی ثوابهایی که بر گریه ، عزاداری و زیارت امام حسین (ع) ذکر شده است ، تعجبی ندارد ، زیرا در مقابل آن همه ایثار ، شجاعت ، توکل ، رضا ، مردانگی ، آزادگی و ... و بالاتر، مصایبی که آن حضرت متحمل شدند ، این همه ثواب جا دارد . توجه و دقت در داستان ذیل این مطلب را روشن می سازد .

علامه بحرالعلوم به سامرا می رفت ، در راه به مسئله گریه بر امام حسین (ع) که باعث آمرزش گناهان می شود ، فکر می کرد . عربی بر مرکبی سوار ، مقابلش رسید و سلام کرد و پرسید : جنای سید ، شما را متفکر می بینم ؟ اگر مسئله علمی است بفرمایید شاید من هم چیزی بگویم .

بحرالعلوم فرمود: در این فکر بودم که چگونه می شود حق تعالی این همه ثواب به زائران و گریه کنندگان حضرت سیدالشهدا، می دهد مانند آن که : هر قدمی که بر می دارد ، ثواب یک حج و یک عمره در نامه عملش نوشته می شود ، و برای یک قطره اشک تمام گناهان صغیره و کبیره اش آمرزیده می شود ؟

آن سوار عرب فرمود : تعجب نکن ! من برای شما مثل می آورم تا مشکل حل گردد . سلطانی در شکارگاه از همراهانش دور افتاده بود . در آن بیابان وارد خیمه ای شد و پیرزنی را با پسرش در گوشه خیمه دید

. آنان بزی داشتند که زندگی شان از شیر آن تامین می شد ، غیر از آن چیز دیگری نداشتند ، آن پسر بز را برای سلطان ذبح کرد و طعامی حاضر کرد . او سلطان را نمی شناخت و فقط برای اکرام مهمان ، این عمل را انجام داد .

شب را آن جا ماند و روز بعد در دیدار عمومی واقعه دیشب خود را نقل نمود و گفت : من در شکارگاه از غلامان دور افتادم و در حالی که شدیداً تشنه و گسرنه شده بودم و هوا به شدت گرم بود ، به خیمه آن پیرزن رفتم ، او مرا نمی شناخت و در همان حال سرمایه او و پسرش بزی بود که از شیر آن ، زندگی را می گذرانند، آن را کشتند و برای من غذا آماده کردند . حال در عوض این محبت ، به این پیرزن و و پسرش چه بدهم و چگونه تلافی کنم ؟

یکی از وزیران گفت: صد گوسفند به او بدهید ، دیگری گفت : صد گوسفند و صد اشرافی به او بدهید ، دیگری گفت : فلان مزرعه را به ایشان بدهید . سلطان گفت : هر چه بدهم کم است ، اگر سلطنت و تاج و تختم را بدهم ، مکافات به مثل کرده ام ، چون آنها هر چه داشتند به من دادند، من هم باید هر چه دارم به آنان بدهم .

حضرت سیدالشهدا (ع) هر چه داشت از مال ، اهل و عیال ، پسر ، برادر ، فرزند و سر و پیکر ، همه و همه را در راه خدا داد . حال اگر خداوند بر زائران و گریه کنندگان آن حضرت ، آن همه اجر و

پاداش و ثواب بدهد، نباید تعجب نمود . این را فرمود و از نظر سید بحرالعلوم غایب شد .<sup>14</sup>

### رمز جاودانگی

یکی از پرسشهایی که همواره مورد توجه پژوهشگران بوده و هست عوامل بقا و جاودانگی نهضت عزاداری حسینی است . همواره این سئوال مطرح بوده که چرا مسئله حماسه تاریخ ساز کربلا در میان جوامع بشری از چنان بالندگی ، درخشندگی و پویای برخوردار است که نه تنها باگذشت زمان کهنه و فراموش نمی شود، بلکه سایه گستری آن روز به روز بیشتر می گردد ؟ چه حکمی در این امر نهفته است که بر خلاف سنت تاریخی که همه چیز در این جهان ، حتی کوه ها و ستارگاه رو به زوال و فرسودگی می روند، امام نهضت امام حسین ( ع ) و نام و یاد آن رادمرد بزرگ ، کم رنگ و کم فروغ نمی گردد ؟ چرا با گذشت سالها از واقعه کربلا هنوز هم شور و اشتیاق عزاداران حسینی کم نشده است ؟<sup>15</sup>

راز اصلی این تجلی و جاودانگی را می توان در مسائل زیر جویا شد :

#### 1-مشیت الهی

اراده تخلف ناپذیر پروردگار بر این تعلق گرفته که برای همیشه نهضت عاشورای حسینی به عنوان چراغی فروزان و مشعلی هدایت گر تحقق پذیرد و همواره از دستبرد شیادان محفوظ بماند .

<sup>14</sup>- امام خمینی ، فرات گزیده ای از بیانات امام ، 1358 ، ص 35

<sup>15</sup>- ره توشه راهیان نور ، مرکز آموزشهای تخصصی باقرالعلوم ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، چاپ دوم ، 1381 ، ص 79



یریدون لیطفوا نورالله هم و الله متم ثوره و لو کره  
الکافرون<sup>16</sup>

می خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل خاموش  
کنند و البته خدانور خود را کامل و محفوظ خواهد  
داشت ، هر چند کافران را خویش نیاید .  
عشق و محبت به حسین را خدا در دلها نهاده و شعله  
ی آن هرگز فرو می نشیند .

به فرموده رسول گرامی اسلام ( ص ) :  
برای شهادت حسین (ع) حرارت و گرمایی در دلهای  
مومنان است که هرگز سرد و خاموش نمی شود .

## 2- برجستگی پیشوای نهضت

آوازه ی تاریخی و جاودانگی نهضت کربلا معلول آوازه  
ی پیشوا و رهبری آن است ، که در راس قیام بزرگ  
کربلا شخصیتی بی بدیل ، مانند حسین بن علی ( ع )  
قرار دارد که در دامن عصمت و طهارت پرورش یافته  
است .

بدون تردید حکومت و سیره ی چنین انسانی الگوی  
جهانیان است ، به گونه ای که امام باقر (ع) می  
فرماید :

حسین بن علی الگوی من است.

تحمل وصف ناپذیر و قهرمانانه ی حسین بن علی (ع)  
در مقابل شدیدترین آزمایش روزگار برای آن حضرت  
چهره ای ماندگار و همیشگی ساخت .

یکی از کارهای بزرگی که سیدالشهدا در صحنه ی کربلا  
روی آن تاکید داشت ، رنگ آمیزی آن با رنگ ثابت خون  
است . حسین بن علی (ع) در روز عاشوا گویی رنگ

آمیزی می کند ، اما رنگ آمیزی باخون ، برای این که در تاریخ رنگی که از هر رنگ دیگر ثابت تر است ، همین رنگ است . امام حسین (ع) پیام خود را نه روی سنگی نوشت و نه حجاری کرد ، آن چه او گفت در هوای لرزان و در گوش افراد طنین انداخت ، اما در دلها ثبت شد، به طوری که از دلها گرفتنی نیست و خودش کاملاً به این حقیقت آگاه بود و آینده را درست می دید که بعد از این ، حسین کشته شدنی نیست و هرگز کشته نخواهد شد .

### 3- حق طلبی قیام

شکی نیست که یکی از عوامل جاودانگی نهضت حسینی ، انگیزه ای الهی امام حسین ( علیه السلام ) و یارانش بوده است . خداوند وعده داده است که اگر کسی عملش برای خدا باشد محبت او را در دلهای مردم خواهند افکند .

ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم  
الرحمن ودا<sup>17</sup>

آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند خدای رحمان آنان را در نظر خلق محبوب می گرداند . امام حسین (ع) ایمان و عمل صالح را در حد اتم و اکمل دارا بود . آن حضرت در باره ی انگیزه خود می فرماید :

خداوند تو خدا میدانی که قیام ما برای آن نیست که به حکومتی برسیم ، یا چیزی از مال متاع دنیا به چنگ آوریم ، بلکه می خواهیم راه روشن دین تو را

به همگان نشان دهیم و شهرها و آبادیها از فساد و تباهی رها سازیم تا مظلومیان ستم کشی نجات یابند .

#### 4- پیام رسانی اهل بیت (ع)

یکی از موثرترین عوامل و علل جاودانگی نهضت حسینی که جزء شاهکارها و معجزات امام حسین (ع) محسوب می شود ، پیام رسانی اهل بیت امام (ع) و در راس آنها حضرت امام سجاد (ع) و زینب کبری (س) است . به راستی اگر افشاگری امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) در قالب سخنرانی نبود ، حکومت استبدادی یزید به آسانی این حادثه ی بزرگ را تحریف می کرد و برای همیشه آن حرکت عظیم را به فراموشی می سپرد ، اما اسیران پیروز با خطبه های آتشین خود ، نظام طاغوتی یزید را در برابر اجتماعی مردم به محاکمه کشیدند و ماهیت کربلا را از دستبرد و تحریف دشمنان حفظ کرده و چهره ی حقیقی عاشورا را برای نسلهای آینده ترسیم نمودند .

برپایی مراسم عزاداری در هر ساله ادامه راه این پیام رسانان کربلا می باشد ، و از اینجا اهمیت این مراسم آشکار می شود .

#### 5- اهتمام امامان معصوم (ع)

پیشوایان معصوم (ع) برای احیا و ابقای نهضت حسینی ، هر یک به گونه ای ابتکاری گام های موثری برداشتند . آنها از یک سو به مقولاتی ، هم چون ، اندوهناک بودن ، گریستن و گریاندن در مصائب امام حسین (ع) مرثیه خونی ، برپا داشتن مجالس و

اجتماعات سوگواری ، هزینه کردن اموال برای مراسم بزرگداشت ، زیارت کربلا ، ارج نهادن و تاکید بر سجده نمودن بر تربت آن حضرت ، یاد کردن حسین (ع) هنگام نوشیدن آب و بزرگداشت اربعین حسینی سفارش نمودند .

#### 6- برگزاری مجالس عزاداری

شیعیان به تبعیت از امامان خود هر ساله در ایام محرم ، با برپایی مجالس عزاداری و سوگواری بر سیدالشهدا و یاران با وفایش ، به عزا می نشینند . بیان علل و اهداف قیام حسینی در این مجالس بستر خوبی برای بیداری دلهای خفته می باشد ، در حقیقت با زنده نگه داشتن یاد و خاطره ی عاشورائیان دلهای زنده شده و اسلام احیا می شود و این رمز جاودانگی است .<sup>18</sup>

به فرموده ی امام ( ع ) :

این روشه و این گریه ، آدم ساز است ، انسان درست می کند .

ای محرم را زنده نگه دارید . ما هر چ داریم از این محرم است .<sup>19</sup>

علت ترغیب ائمه با اقامه ی عزای حسینی

تکالیف شرعی بدون حکمت نیست . منظور این نبوده که همدردی و تسلیتی باشد برای خاندان پیغمبر به قول

---

<sup>18</sup>- ره توسعه راهیان نور ، مرکز آموزشهای تخصصی باقرالعلوم ،

انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، چاپ دوم ، 1381 ، ص80

<sup>19</sup>- امام خمینی ، صحیفه نور ، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی

انقلاب اسلامی، 1361 ، جلد 18 ص 32

روضه خوانها زهرا را خوشحال بکنیم . خیال می کنیم هر اندازه ماگریه کنیم تسلی خاطر بیشتری برای حضرت رسول (ص) و حضرت زهرا (س) هست . چه قدر در این صورت ما حضرت رسول حضرت زهرا و حضرت امیر راکه همیشه آرزوی شهادت می کردند و فخر خود می دانستند - کوچک کرده ایم و خیال می کنیم هنوز هم بعد از هزار و سیصد و بیست سال در حال جزع و فزع می باشند! بلکه مقصود این است که داستان کربلا به صورت یک مکتب تعلیمی و تربیتی همیشه زنده بماند . البته حضرت زهرا خوشحال می شود اما از باب این که نیت و هدف حضرت زهرا و حضرت رسول و حضرت امیر و حضرت امام حسین همه یکی است و آن :

یتلوا علیهم آیاته و یزکیهن و یعلمهن الكتاب و  
الحکمه<sup>20</sup>

است ، البته خوشحال می شود که به وسیله ذکر فرزندش حسین ، مردم در دنیا و آخرت سعادت مند شوند ، مردم در همان راهی حرکت کنند که فرزندش حسین حرکت کرده است .<sup>21</sup>

نتیجه گیری

با توج به آنچه که اشاره و بررسی شد ، نتیجه می گیریم که :

فلسفه عزاداری تهدید دشمن و تقبیح کارهای آنها است ، تحسین این دسته و تشویق به این نوع کار و

---

<sup>20</sup>- سوره جمعه آیه 2

<sup>21</sup>- مرتضی ، مطهری ، حماسه ی حسینی ، یادداشتها ، جلد دوم ، چاپ 82 ، انتشارات صدرا ، 1393 ، ص 59

تقبیح آن دسته و ایجاد نفرت نسبت به آن نوع کار  
است .<sup>22</sup>

کسانی می توانند به خوبی ، مراسم عزاداری ر درک  
کنند که اولاً شناختهای لازم راجع به آن را داشته  
باشند و ثانیاً در آن شرکت کرده و آثار عاطفی آن  
را تجربه درونی کرده باشد . برای شناخت این پدیده  
، علم حصولی و تحلیل عقلی ، لازم اماناکافی است  
.<sup>23</sup>

کسانی که بخاطر یک سلسله اصول و مبادی قیام می  
کنند و نهضت می نمایند ، در حقیقت به همه جهانیان  
بعد از خودشان پیامی دارند و به اصطلاح معروف  
وصیتی دارند . باید با پیام آنها آشنا باشند  
ندای آنها را بشناسند و این امر باتداوم بخشیدن  
به برگزاری مراسمات عزاداری هر ساله ، امکان پذیر  
است .<sup>24</sup>

فهرست منابع و مآخذ

- 1-قرآن کریم ، ترجمه آیت الله شیرازی
- 2-امام خمینی ، برگزیده ای از بیانات امام ،  
فرا ، 1358
- 3-امام خمینی ، صحیفه نور ، مجموعه رهنمودهای  
امام خمینی ، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی  
انقلاب اسلامی ، جلد 18 و 8 ، 1361

---

<sup>22</sup>- مرتضی ، مطهری ، حماسه ی حسینی ، یادداشتها ، جلد دوم ،  
چاپ 82 ، انتشارات صدرا ، 1393 ، ص 60

<sup>23</sup>- ره توشه راهیان نور ، مرکز آموزشهای تخصصی باقرالعلوم ،  
انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، چاپ دوم ، 1381 ، ص 254

<sup>24</sup>- مرتضی مطهری ، حماسه ی حسینی ، یادداشتها ، جلد دوم ، چاپ  
82 ، انتشارات صدرا ، 1393 ، ص 252

4- مرکز آموزش های تخصصی باقرالعلوم ، ره توشه  
راهیان نور ، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ،  
چاپ دوم ، 1381

5- مطهری ، مرتضی ، حماسه حسینی ، سخنرانیها ،  
جلد اول ، چاپ 82 ، انتشارات صدرا ، 1393

6- مطهری ، مرتضی ، حماسه حسینی ، یادداشتها ،  
جلد دوم ، چاپ 64 ، انتشارات صدرا ، 1392

7- ویژه نامه محرم الحرام ، روایت سرخ ،  
انتشارات سازمان فرهنگی شهرداری ارومیه ،  
1391